

عکاس

سمیرا عرب

رشد آموزش هنر
۳۷
دوره چهارم / شماره ۴
تابستان ۱۳۸۶



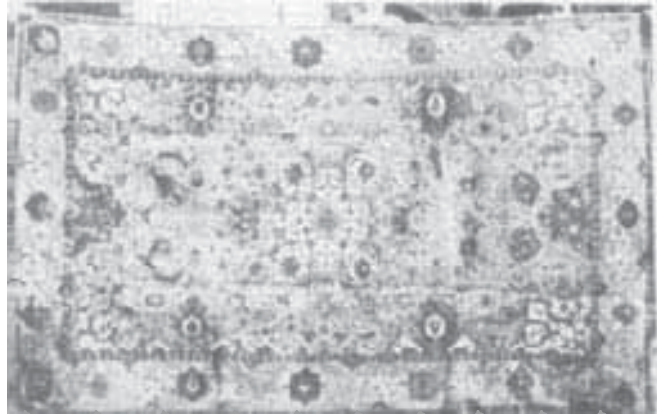
استفاده از سطوح کروی به عنوان لنز فوق العاده زاویه باز
مظفرالدین شاه و جمعی دیگر

بر کنار از موازین ثانوی حاکم بر سایر رشته‌های مرتبط با آن، با ملاک‌های مختص خود، مورد ارزیابی و داوری قرار می‌گیرد. اگر تاکنون عکاسی تابع زمینه‌هایی که در آن‌ها کاربرد دارد، نشده است و همواره در کنار آن‌ها استقلال خود را به عنوان زبانی که ویژگی‌های منحصر به فردی دارد، حفظ کرده، به سبب اصالت بی‌مانندی است که در بطن آن نهفته است.

عکاسی به وسیله‌ای تبدیل شده است که انسان‌ها را، ورای مرزهای نژادی، زبانی، مذهبی و ملی آن‌ها، به یکدیگر نزدیک می‌کند. به عبارت دیگر، عکس به شکل عامل مؤثری در رشد ذهنی بشر متجلی گشته است.

قرن بیستم را باید عصر رسانه‌ها و ارتباطات دانست. میلیون‌ها نفر از مردم جهان، هر روز از طریق عکس و تصویر از جریان رویدادها و تحولات سیاسی، علمی و هنری آگاه می‌شوند. رسانه‌ها با بهره‌گیری از عکس و تصویر، در ابعاد متفاوت، گاه به شکل روزنامه، مجله و کتاب، و گاه به صورت اسلاید و فیلم، و به کمک تلویزیون، و ویدیو، همواره در رشد آگاهی عمومی نقش انکارناپذیری داشته‌اند. اگر انسان قدم بر کره ماه می‌گذارد یا در اعماق اقیانوس‌ها کندوکاو می‌کند، عکس و تصویر با چشم ناظر،

عکاسی با تاریخچه‌ی نه چندان بلندخود، از بدو پیدایش سهم بزرگی در پیشرفت دنیای هنر و ارتباطات داشته و خدمات ارزنده‌ای به رشته‌های متفاوت علمی و پژوهشی ارائه کرده است. امروزه، عکس سیمایی چندگانه یافته است و از جنبه‌های متفاوت مورد توجه و تحلیل قرار می‌گیرد. عکس به عنوان اثر هنری، سند تاریخی و اجتماعی، وسیله‌ی خبررسانی، عنصر تبلیغاتی، حربه‌ی سیاسی و غیره به کار گرفته می‌شود و عکاسی دستیار انواع رشته‌های علمی و فنی و شاخه‌های گوناگون هنرهای تجسمی و حتی بیان ادبی شده است. عکس به عنصر ضروری در هرگونه متن تحلیلی تبدیل شده است. از مقاله‌نویسی و روزنامه‌نگاری و پرداختن مطالب تاریخی و اجتماعی و سیاسی گرفته تا زمینه‌های متفاوت علوم تجربی هم‌چون پزشکی، فیزیک، جانورشناسی، نجوم و غیره. در تمامی این زمینه‌ها، کارکرد عکاسی بی‌همتا و بی‌سابقه بوده است. عکاسی، جدا از حوزه‌های حرفه‌ای که در آن‌ها به کار گرفته می‌شود، دارای قلمروی خاص خود است که در آن، ملاک‌های ویژه‌ای حکم‌فرمایی دارند؛ ملاک‌هایی که همزاد پیدایش این وسیله‌ی بیانی و متناسب با ویژگی‌های آن هستند. در این قلمروست که عکاسی،



قالیچه‌ی صفوی بافت جوشقان، متعلق به آرامگاه شاه عباس در قم،
عبدالله میرزا، ۱۳۱۳ ه.ق، آلبوم خانه کاخ گلستان



میرزا، پسر بیست و چهارم فتحعلی شاه
است.

۲. ناصرالدین شاه، اطرافیان او و اروپاییانی که در قالب گروه‌های سیاسی و نظامی در ایران عکاسی می‌کرده‌اند.

اولین عکاسان در ایران

در مورد اولین عکاسان خارجی که در ایران عکاسی کرده‌اند و نیز اولین عکاسان ایرانی تبار، نظرات متفاوتی ابراز شده‌اند که به طور خلاصه عبارت‌اند از:

الف) نظریه‌ی یحیی ذکاء به نقل از مجله‌ی عکس (شهریور ۱۳۶۹)

طبق نظر ایشان، تقدم و تأخر عکاسان در ایران از این قرار است:

۱. **مُسیور ریشار خان (۱۲۳۳-۱۳۰۸ ه.ق):** در سال ۱۲۶۰ ه.ق به ایران آمد و

در زمان **محمدشاه قاجار**، به روش «داگرتیپ» عکس گرفت. وی در ۷۵

سالگی فوت کرد و در گورستان «آب انبار قاسم»، سر راه تهران به شهرری مدفون است.

۲. **ملک قاسم میرزا: پسر**

فتحعلی شاه قاجار، نخستین عکاس ایرانی است که در تبریز به روش داگرتیپ و

کلودیون عکس گرفت. در ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ ه.ق - ش فرصت‌طلبان به منزل او در

روستای وان، بین تبریز و مراغه، حمله کردند و شیشه‌های او را سوزاندند. و از

بین بردند. **شهریار عدل** و یحیی ذکاء کوشیده‌اند ثابت کنند، او اولین عکاس

ایرانی است که در محدوده‌ی زمانی ۱۸۳۹ تا ۱۸۴۴ و قبل از ژول ریشار یا هم‌زمان با او کار می‌کرده است.

۳. **آقا رضاخان اقبال السلطنه:** که در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار فعالیت داشت و حدود سال‌های

۱۲۸۰ تا ۱۲۸۲ ه.ق چند عکس معروف

همگام و همراه است و در ثبت لحظات حساس و باشکوه، به وی مدد می‌رساند.

به عبارت دیگر، عکس و عکاس را باید چشمان هوشمند قرن معاصر دانست؛

چشمانی نافذ و گویا که علاوه بر تأثیرگذاری عمیق و اساسی در زندگی

انسان امروز، شاهد و حافظ ارزش‌های متفاوت و وسیله‌ی ثبت وقایع و حقایق

علمی و تاریخی و هنری است. عکاسی را باید یکی از بزرگ‌ترین اختراعات بشری

دانست و آن را به مثابه علم و هنری که جلوه‌های متفاوت آن در زندگی بشر و

پیشرفت علوم گوناگون نقش اساسی و تعیین‌کننده دارد، مورد بررسی قرار داد و

چه بهتر که ابعاد این کاوش در حیطه‌ی تاریخ و سبک‌ها و مکاتب عکاسی مطمح نظر قرار گیرد.

درآمدی بر آغاز عکاسی در ایران

دربار قاجار بی‌شک مهم‌ترین عامل ورود زود هنگام پدیده‌ی عکاسی به ایران

است. موقعیت جغرافیایی ایران و وجود منابع سرشار آن، عاملی بود برای برقراری

ارتباط با دربار قاجار به‌ویژه ناصرالدین شاه. این عامل اروپاییان را بر آن

می‌داشت که چه در قالب گروه‌های سیاسی و نظامی، و چه به صورت فردی،

برای کسب امتیازات و نیز دست‌یابی به مطامع و منافع مادی و شخصی به ایران

سرازیر شوند. آن‌چه در این میان اهمیت دارد، گرمی بازار پیشکش‌هایی است که

تقدیم امرا و پادشاهان می‌شد. به منظور تبیین چگونگی ورود

عکاسی به ایران و عام شدن آن در کشور ما، ناگزیر از بررسی این امر در دو ساحت متمایز هستیم:

۱. پیشگامان عکاسی در ایران که یکی ژول ریشار و دیگری **ملک قاسم**



گرفت. وی ۲۷ سال عكاسی کرد و در ۱۳۰۷ هـ- قی در سن ۴۸ سالگی درگذشت. او كه احتمالاً فن عكاسی را در دارالفنون آموخته بود، به سال ۱۸۶۳ به مقام نخستین عكاس باشی منسوب شد.

۴. ژوزف پایازیان: كه در ۱۲۹۲ هـ- قی عكاس خانه‌ی خود را در تهران دایر کرد.

۵. میرزا حسینعلی عكاس باشی: كه از طرف دارالفنون به اروپا فرستاده شد و بین سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۷ هـ- قی عكاسی می‌کرد.

۶. عبدالله میرزا قاجار: كه بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۷ هـ- قی فعال بود. وی به مدت یک سال و نیم در فرانسه تحصیل عكاسی کرد. به نقل از مرحوم داریوش گل گلاب، وی از شاهزادگان خاندان جهانپانی است و روسی خان نیز شاگرد اوست.

ب) نظریه‌ی ایرج افشار و مرحوم داریوش گل گلاب

به عقیده‌ی افشار، اولین عكاسی كه در ایران عكس گرفته، ژول ریشار فرانسوی بود. همین نظر را نیز مرحوم داریوش گل گلاب براساس یادداشت‌های پدرش، شادروان حسین گل گلاب اظهار داشته است. اما مرحوم گل گلاب عكاسان پس از ژول ریشار را به این ترتیب نام برده است:

۱. در اواسط سلطنت ناصرالدین شاه (۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ هـ- قی) پس از سفر دوم شاه به فرنگ، بعضی از همراهان شاه مختصر اطلاعاتی از عكاسی به دست آوردند و در میان آن‌ها، معیرالممالك كه داماد شاه بود، چند دوربین تهیه کرد و عكس گرفت.
۲. در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه،

اشخاصی كه عكاسی می‌دانستند و با شیشه‌ی كلودیونی كار می‌کردند، كم نبودند. حتی زنی فرانسوی كه معروف به مادام عباس بود، به دستور شاه از زن‌های اندرون عكس برمی‌داشت كه عكس‌های بسیاری از آن‌ها هنوز باقی است.

۳. از دیگر اشخاصی كه كار عكاسی می‌کرد، شخصی است معروف به صحاف باشی كه از محصلان اعزامی به اروپا بود و بعداً در دربار منصوب شد.
۴. از اوایل سلطنت مظفرالدین شاه

(۱۳۱۴ هـ- قی)، یکی از شاهزادگان خانواده‌ی جهانپانی، به نام عبدالله میرزا، در بالاخانه‌ی دارالفنون عكاس خانه‌ای دایر و فن عكاسی را متداول کرد. بسیاری از عكاسان بعدی از شاگردان او بوده‌اند. زیر عكس‌های این عكاس خانه، نام «عبدالله قاجار» یا «عكاس خانه‌ی مدرسه‌ی مباركه‌ی دارالفنون» دیده می‌شود.

این عكاس خانه تا اوایل مشروطیت دایر بود. عكاس دیگر دربار مظفرالدین شاه، میرزا ابراهیم خان عكاس باشی بود.

۵. در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ هـ- قی، در خیابان علاءالدوله (فردوسی کنونی)، دو عكاس خانه یکی به نام «آنتوان سوریوگین» و دیگری به نام «عكاس خانه‌ی مسنن» دایر شد كه بیشتر خارجیان به آن‌ها رجوع می‌کردند.

۶. در سال ۱۳۲۶ هـ- قی، یکی از متخصصان عكاس خانه‌ی عبدالله میرزا، به نام ایوانف كه برای خود اسم ایرانی روسی خان را اختیار کرده بود، در سفر به روسیه، با یکی از شركت‌های لوازم عكاسی در شهر ادسا، به نام «بومر»، قراردادی برای خرید شیشه، كاغذ و مقوای عكاسی منعقد و در خیابان علاءالدوله عكاس خانه‌ای دایر کرد. عكس‌های او



علیرضا خان قاجار (عضد الملک) در جوانی، عکس از ملک قاسم میرزا ۱۲۶۶ ه. ق. آلبوم خانه کاخ گلستان

همه دارای نشان «روسی خان» هستند و پشت آن‌ها علامت «BOMER» دیده می‌شود. در انقلاب مشروطه و چندین سال پس از آن نیز این عکاس خانه مرکز آزادی خواهان بود و اغلب عکس‌های آن مربوط به بزرگان دوره‌ی مشروطه، مهاجران و... هستند.

چاپ عکس روی کاغذهای روز چاپ، کلرور نقره، کلرور طلا و کلرور پلاتین همواره سیاه می‌شد. شیشه‌های عکاسی هم بیشتر از کارخانه‌ی لومیر فرانسه و کاغذهای چاپ آن «فان بوش» آلمان یا بلژیک بوده است.

عکاس خانه‌ی روسی خان تا سال ۱۳۳۹ دایر بود. خود روسی خان با **محمدعلی شاه** به اروپا رفت و کارهای عکاس خانه را مهدی مصورالملک چندی ادامه داد و پس از آن عکاس خانه تعطیل شد.

۷. از شاگردان عبدالله میرزا که در لاپرانوار او کار می‌کردند، دو نفر دیگر هم در اوایل ۱۳۰۰ شمسی عکاس خانه‌های دیگری دایر کردند که هر دو در خیابان ناصریه بود: یکی **مائش‌الله خان** و دیگری **خادم** که عکس‌های ارزان‌تر می‌انداختند. ۸. **مخبر السلطنه مهدیقلی هدایت** هم برای گراورسازی خود، عکاسی می‌کرد و همکار او **میرزا علیخان** گراورساز، اولین گراورهای بر ورقه‌ی «روی» را در ایران تهیه کرد، ولی به دلیل نداشتن مرکب و کاغذ لازم، گراورها همیشه سیاه و محو بودند.

۹. چاپ خانه‌ی «فاروس» هم در سال‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ شمسی برای گراورهای خود عکاسی دایر کرده بود و بیشتر به کارهای خود می‌پرداخت.

ج) نظریه‌ی دانا استاین

دانا استاین، اولین عکاسان را در ایران به این ترتیب معرفی می‌کند:

۱. **ریشارخان**: که از ۱۲۶۰ ه. ق. / ۱۸۴۴ م به ایران آمده است.
 ۲. **فوکتی**: مهندس ایتالیایی که سرپرست خط تلگراف تبریز - تهران بود: هم او روش کلودیون را در ۱۲۶۴ ه. ق. / ۱۸۴۷ م به ایران آورد.
 ۳. **لونیچی پیسز**: که فرمان‌دهی کل قوای پیاده نظام ایران را برعهده گرفت و در ۱۲۶۵ / ۱۸۴۸ به ایران آمد و تا سال ۱۲۷۹ / ۱۸۶۲ در ایران بود.
 ۴. **لونیچی موتتابونه**: از اعضای هیئت سیاسی ایتالیا که در تابستان ۱۲۷۹ / ۱۸۶۲ به ایران آمده است.
 ۵. **ارنست هولستر**: که در سال ۱۲۸۰ / ۱۸۶۳ به ایران آمد تا خطوط تلگراف سراسری ایران را ایجاد و به خواسته‌ی انگلیس خط تلگراف ایران را به هندوستان وصل کند.
 ۶. **آنتوان سور یوگین**: روسی تبار مهاجر به ایران که از دهه‌ی ۱۲۸۷ / ۱۸۷۰
- تا حدود ۱۳۳۹ / ۱۹۲۰ در تبریز و تهران و از دهه‌ی ۱۲۸۸ / ۱۸۸۰ تا حدود ۱۳۳۹ / ۱۹۳۰ علاوه بر این دو شهر، در سایر نقاط ایران به عکاسی پرداخت.
- مجتبی مینوی** به نقل از **صادق هدایت** می‌نویسد: «یک روز گفت یک نفر نقاش هست، **آندره سور یوگین** اسمش است، اما خودش را درویش پرورده‌ی ایران می‌نامد. پدرش یک عکاس روسی بوده و مادرش یک ارمنی. خیلی به شاهنامه علاقه دارد. چهارصد مجلس تصویر از شاهنامه ساخته است. بیا برویم کارش را ببینیم.»
- کارگاه عکاسی او در خیابان دولت تهران بود. روز بمباران مجلس (۱۳۲۶ ه. ق) که خانه‌ی **ظهیرالدوله** غارت شد، مغازه‌ی او هم صدمه دید. عکس‌های او در نمایشگاه ۱۸۹۷ بروکسل مدال طلا گرفتند. بسیاری از نگاتیوهای شیشه‌ای او در گالری «فریر»

پرواز دادن بالن هوای گرم در میدان مشق تبریز،
میرزا ابراهیم عکاس باشی ۱۳۱۲ ه.ق. آلبوم خانه کاخ گلستان



رشد آموزش هنر
دوره چهارم (شماره ۴)
تابستان ۱۳۸۶

گرفته و یادداشت‌های حاشیه‌ی عکس‌ها به خط شخص اوست. لیکن در تحقیقاتی که یحیی ذکاء و شهریار عدل در سال‌های بعد انجام دادند و شرح آن گذشت، مشخص شد که ملک قاسم میرزا اولین عکاس ایرانی است. بی‌تردید، ناصرالدین شاه را می‌توان فردی هنر دوست و تا حدی هنرمند دانست. زیرا هم اشعاری از او باقی است و هم طرح‌هایی که مشعر بر این امر است. اما رواج عکاسی در دربار، ناشی از علاقه‌ی شدید او به این امر است و نه به معنای آن که او نخستین عکاس بوده باشد.

تدریس عکاسی در دارالفنون نیز بی‌تأثیر از علاقه‌ی شاه به این فن نبوده است. گرچه پدیده عکاسی در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی، پدیده‌ای جهان‌گیر بود و با سرعتی وصف‌ناپذیر منتشر شد، تدریس آن در تنها دارالعلم کشوری که مردم آن از بسیاری از ضروریات معیشتی خود محروم بوده‌اند، امری عجیب

ملک قاسم میرزا

یحیی ذکاء و شهریار عدل در پی اثبات آن هستند که عکاسان ایرانی قبل از ورود ژول ریشار به ایران، یعنی طی سال‌های ۱۲۵۵ تا ۱۲۶۰ به روش داگرتیپ تصویربرداری کرده‌اند. آنان از ملک قاسم میرزا نام می‌برند که همزمان با ریشار و احتمالاً قبل از او تصویربرداری کرده است. ولی از آن‌جا که هیچ‌یک از داگرتیپ‌های ملک قاسم میرزا یافت نشده است، نتیجه‌گیری خود را مبتنی بر تصاویری که احتمالاً از روی داگرتیپ تهیه شده‌اند، استوار ساخته‌اند.

طبق یادداشت‌های یحیی ذکاء، شواهدی وجود دارد که ملک قاسم میرزا در طول حیات خود عکس‌های بسیار برداشته که نمونه‌هایی از آن موجود است. او نخستین فرد ایرانی است که به روش «داگرتیپ» و «کلودیون» کار کرده است. در سال ۱۳۵۷ هـ-ش اشرار به خانه‌ی او در روستای «وان» حمله کردند و آن‌جا را به آتش کشیدند و مناسفانه شیشه‌ها و صفحات «داگرتیپ» و ابزار عکاسی او را سوزاندند یا به غارت برده‌اند.

ناصرالدین شاه و عکاسان دربار

در سال ۱۳۵۷، به همت بدری آتابای، کتاب‌دار وقت کتاب‌خانه‌ی سلطنتی در کاخ گلستان، گزیده‌ای از عکس‌های موجود در آلبوم‌ها که تقریباً حدود ۴۰ هزار نسخه است همراه با مقدمه‌ای بر تاریخ ورود عکاسی به ایران و یادداشت‌های شخصی ناصرالدین شاه و فهرستی از آلبوم‌های عکس، مشتمل بر شماره‌ی آلبوم، اندازه‌ی آلبوم، تعداد عکس‌ها و تاریخ آن‌ها، در تیراژی بسیار محدود انتشار یافت.

در این کتاب، از ناصرالدین شاه به عنوان اولین عکاس ایرانی یاد شده است؛ چرا که بسیاری از عکس‌های آلبوم‌ها را او

واشنگتن موجودند. ۲۰۰ قطعه از آن‌ها در سال‌های اخیر چاپ شدند.

ژول ریشار

مهدی بامداد در توضیح نام ژول ریشار چنین آورده است: «ژول ریشارخان از جمله فرانسویانی است که در خدمت دولت ایران در دوره‌ی سلطنت محمدشاه و ناصرالدین شاه بود، او بعدها مسلمان شد و خود را **میرزا رضاخان** نامید. در اواخر سال ۱۲۸۸ هـ-ق، از طریق ناصرالدین شاه لقب خانی به وی دادند و از این تاریخ معروف به ریشارخان شهرت یافت. وی در سال ۱۳۲۱ هـ-ق متولد و در سال ۱۳۰۸ هـ-ق در سن ۷۷ سالگی درگذشت.»

نامبرده اوایل افتتاح دارالفنون، از معلمین دارالفنون بود و بعد جزو کارمندان وزارت انطباعات و دارالترجمه‌ی دولتی و مترجم زبان فرانسه و انگلیسی و غیره بود.

دانا استاین نیز ژول ریشار را نخستین کسی می‌داند که عکاسی به روش چاپ نقره را در ایران انجام داده است.

یحیی ذکاء، هم‌چون دیگران، ریشار را نخستین کسی می‌داند که در ایران به روش داگرتیپ عکس می‌انداخت. او ریشار را آشنا به فن طبابت و زبان انگلیسی نیز می‌داند و ورود او را به تهران در تاریخ ۱۶ شوال ۱۲۶۰ هـ-ق و نخستین حرفه‌ی او را تدریس زبان در یک خانواده‌ی ایرانی ذکر کرده است.

مرحوم داریوش گل‌گلاب نیز نقل می‌کند که: «اولین شخص، ریشار، در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه و معاصر **میرزا تقی خان امیر کبیر** بود که چند صفحه داگرتیپی تهیه کرده که یکی از آن‌ها صورت ناصرالدین شاه است.» اما اشاره‌ای نمی‌کند که این تصویر در اختیار چه کسی است و آیا ایشان شخصاً آن را دیده بودند یا خیر.



می نماید.

یادداشت‌های برجای مانده از ناصرالدین شاه، حاکی از آن است که او با روش‌های علمی و فنی عکاسی و طرز کار دوربین‌های متفاوت آشنا بود. هم‌چنین، فهرستی از دستورالعمل داروهای گوناگون شیمیایی و مراحل تدریجی چاپ و ظهور عکس طبق روش‌های رایج در اروپای آن روز که شامل دستورالعمل‌های مربوط به روش کلودیون، تهیه‌ی کاغذ به روش آلبومین، سانت (نیترات نقره) سیانوتیپ و غیره است، به خط خود او در کتاب‌خانه‌ی کاخ گلستان موجود است.

توجه و شدت علاقه‌ی ناصرالدین شاه به عکاسی در حدی بود که در سفر و حضر به عکس برداری می‌پرداخت و کار دیگر عکاسان همراه را نیز می‌دید. ناصرالدین شاه بخشی از ابنیه‌ی کاخ گلستان را به عکاس‌خانه تبدیل کرد و اگرچه گاهی از این تفنن دست می‌کشید، ولی باز بدان روی می‌آورد. در قرن ۱۹ در کمتر کشور غیراروپایی به این اندازه به عکاسی توجه شده است و حاصل آن امروز، به صورت گنجینه‌ای نفیس که نمی‌توان برای آن قیمتی تعیین کرد، برجای مانده است. صدافسوس که حتی در نگه‌داری آن نیز نمی‌کوشیم.

عکاسان دربار

شاخص‌ترین عکاس دربار ناصری که

ناصرالدین شاه به او لقب «عکاس باشی» داده، آقا رضاخان اقبال السلطنه بود. یحیی ذکاء در یادداشت‌های خود که همراه با عکس منتشر شد، آقا رضا را اولین عکاس حرفه‌ای ایران می‌داند و درباره‌ی او می‌نویسد: «او تعداد زیادی عکس به مناسبت‌های متفاوت تهیه کرد که می‌توان از عکس‌های نور، کجور، شهرستانک و فیروزکوه که در سال‌های ۱۲۸۰ و ۱۲۸۲ هـ. - ق تهیه شده‌اند، نام برد. اقبال السلطنه مدت ۲۷ سال به عنوان عکاس، در دستگاه سلطنتی مشغول کار بود و در سال ۱۳۰۷ هـ - ق در ۴۸ سالگی به مرگ ناگهانی درگذشت.»

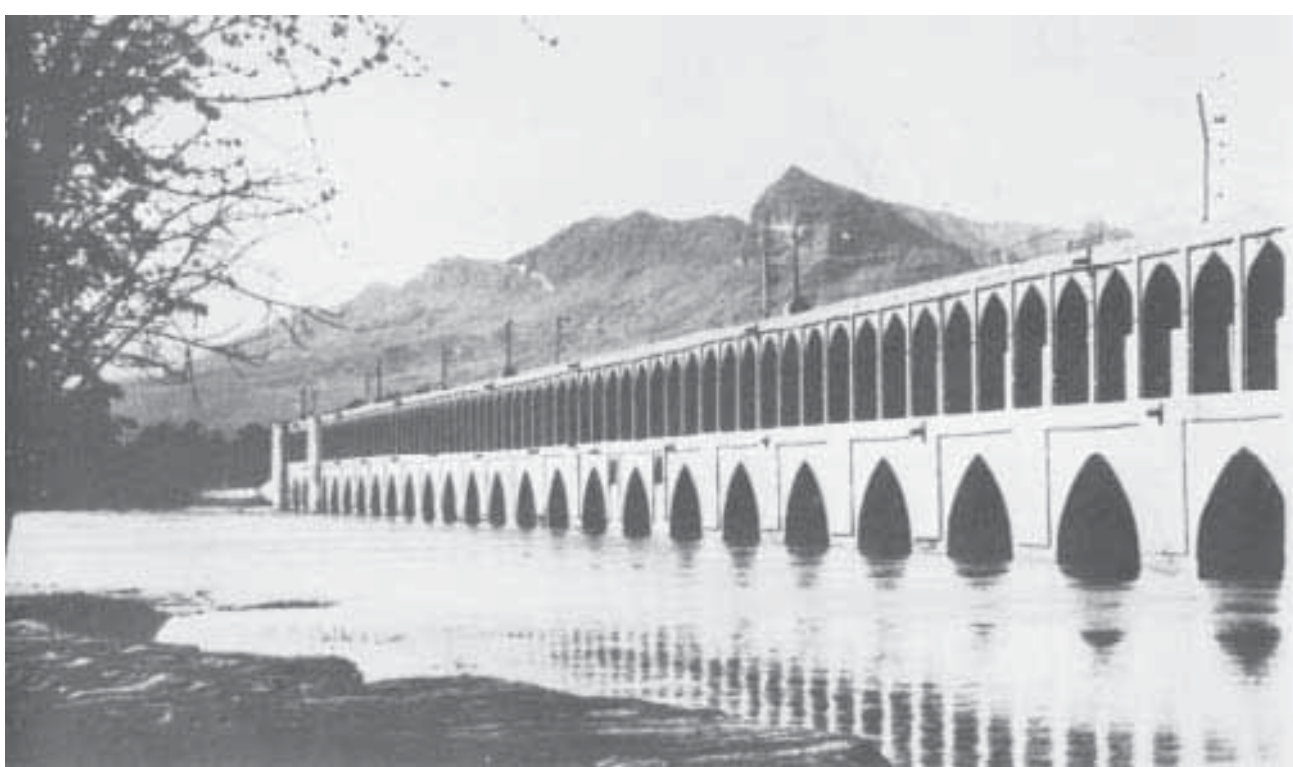
دانا استاین نیز از آقارضا به عنوان نخستین عکاس باشی دربار یاد می‌کند که در دارالفنون عکاسی آموخت و در سال ۱۸۶۳ میلادی برابر با ۱۲۸۰ هـ - ق از ناصرالدین شاه لقب عکاس باشی گرفت. هم‌چنین، مهدی بامداد درباره‌ی عکاس باشی چنین آورده است: «آقا رضاخان عکاس باشی در آغاز کار از پیشخدمتان حضور ناصرالدین شاه بود و سپس در سال ۱۲۸۰ هـ - ق به لقب عکاس باشی و پس از بازگشت (از سفر اول اروپا) علاوه بر سمت‌های عکاس باشی و پیشخدمت مخصوص، به سمت خازن صرف حبیب شاه ملقب گردید و در سال ۱۳۰۱ هـ - ق رئیس و وزیر قورخانه شد.»

آقارضا خان عکاس باشی در اواسط

سال ۱۳۰۷ هـ - ق به مرگ ناگهانی درگذشت و معروف است که ناصرالدین شاه به وسیله‌ی حاجب‌الدوله‌ی خود با قهوه‌ی قجری او را مسموم کرد. از آقارضا آثار متعددی در مجموعه آلبوم‌های بیوتات موجود است. در بسیاری از آلبوم‌ها نام خود را «رضا عکاس باشی عکاس‌خانه‌ی مبارک همایونی» و گاه نیز «رضا» رقم زده است.

دیگر عکاس درباری که از آقارضا متأخرتر، ولی پرآوازه‌تر است، عبدالله میرزا قاجار است. او در سال ۱۲۶۶ هـ - ق متولد می‌شود و پس از طی دوره‌ای در دارالفنون برای تکمیل عکاسی به فرانسه و سپس به اتریش می‌رود. پس از اتمام مدت مجاز تحصیل خود، یعنی سه سال، ده ماه نیز اضافه و به هزینه‌ی خود در اتریش می‌ماند. تا آن‌جا که دیگر استطاعت ماندن ندارد و با مشقت تمام خود را به دارالخلافه‌ی ناصری، یعنی تهران می‌رساند. پس از چند ماه و با وساطت بستگان و درباریان، به حضور ناصرالدین شاه می‌رسد و از این طریق کارهای عکاس‌خانه و مطبعه‌ی دارالفنون به او سپرده می‌شود.

عبدالله قاجار در سال ۱۳۰۶ هـ - ق مدیر عکاس‌خانه‌ی دارالفنون و در دوره‌ی مظفرالدین شاه به ریاست مطبعه‌ی شاهنشاهی منصوب می‌شود که نامش نیز به صورت رقم «مطبعه نواب والا شاهزاده عبدالله میرزا عکاس مخصوص» در پایان



چشم انداز سی و سه پل در اسپهان، عکس از میناس دهه ۱۳۱۰ ه.ش



سرگرمی و بدون هدف معین تجربه می کردند. در ایران این دوره، هم چون اروپا، عکاسی حول محور پرتره می گشت. با این تفاوت که در اروپا عکاسان سعی می کردند، با نقاشان رقابت کنند و به پرتره‌های شبیه نقاشی دست یابند، ولی رواج پرتره در ایران صرفاً به تقلید از غرب بوده است. چنان که عکاسی در اروپا پس از گذشت چندین دهه، سیر منطقی خود را طی کرد و به دستاوردهای جدیدی در زمینه‌ی عوامل بصری تصویر دست یافت. اما در ایران با فقدان این سیر و دوره‌های میانی آن روبه‌رو هستیم و پس از گذشت چندین دهه، هم چنان پرتره غالب است و تنها عوامل تزئینی از قبیل اشیای مختلف و پرده‌های نقاشی پشت موضوع، به عکس‌ها اضافه می‌شود.

هولستر، یکی از عکاسان واقع‌گرای دوره‌ی قاجار بود که تصویرهای گویایی از جنبه‌های متفاوت زندگی در ایران ارائه کرده که نشان‌دهنده‌ی دید تحلیلی او نسبت به مسائل و وقایع است.

برجسته‌ترین و پرکارترین عکاس حرفه‌ای ایران در پایان قرن ۱۹ که مجدداً بر نام وی تأکید می‌کنیم، آنتوان سوربوگین بود که از اوایل دهه‌ی ۱۲۶۰ هجری شمسی تا دهه‌ی اول بعد از کودتای ۱۲۹۹ فعالیت می‌کرد. او سراسر ایران را زیر پا گذاشت و عکاسی کرد. آنتوان سوربوگین همانند هولستر، محیط خود را با دیدی همه‌جانبه تحلیل و

پرکارترین عکاس حرفه‌ای ایران در دوره‌ی خود بود و عکس‌های بسیار او که از اقصا نقاط کشور به یادگار مانده، مؤید این موضوع است.

از دیگر عکاسانی که در دوره‌ی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه در دارالخلافه به نوعی مطرح بودند، می‌توان به این افراد اشاره کرد که آثاری از آنان هم چنان باقی است:

حسنعلی عکاس باشی که در بعضی موارد اسم او را حسینعلی آورده‌اند.

میرزا احمد عکاس باشی، ملقب به صنیع السلطنه.

میرزا ابراهیم خان عکاس باشی، پسر میرزا احمد. او عکاس باشی مظفرالدین شاه بود و اولین دستگاه فیلم‌برداری را در اختیار داشت.

محمد حسن قاجار که در ثبت عکس‌های وی عبارت «عکاس خانه‌ی مبارکه‌ی نظامی» یا «دارالخلافه‌ی ناصری» به چشم می‌خورد.

میرزا عبدالباقی که از اولین عکاسان دوره‌ی ناصری است.

عباسعلی بیک که عبارت «ناظم عکاس خانه‌ی مبارکه» را بر مهر خود داشت.

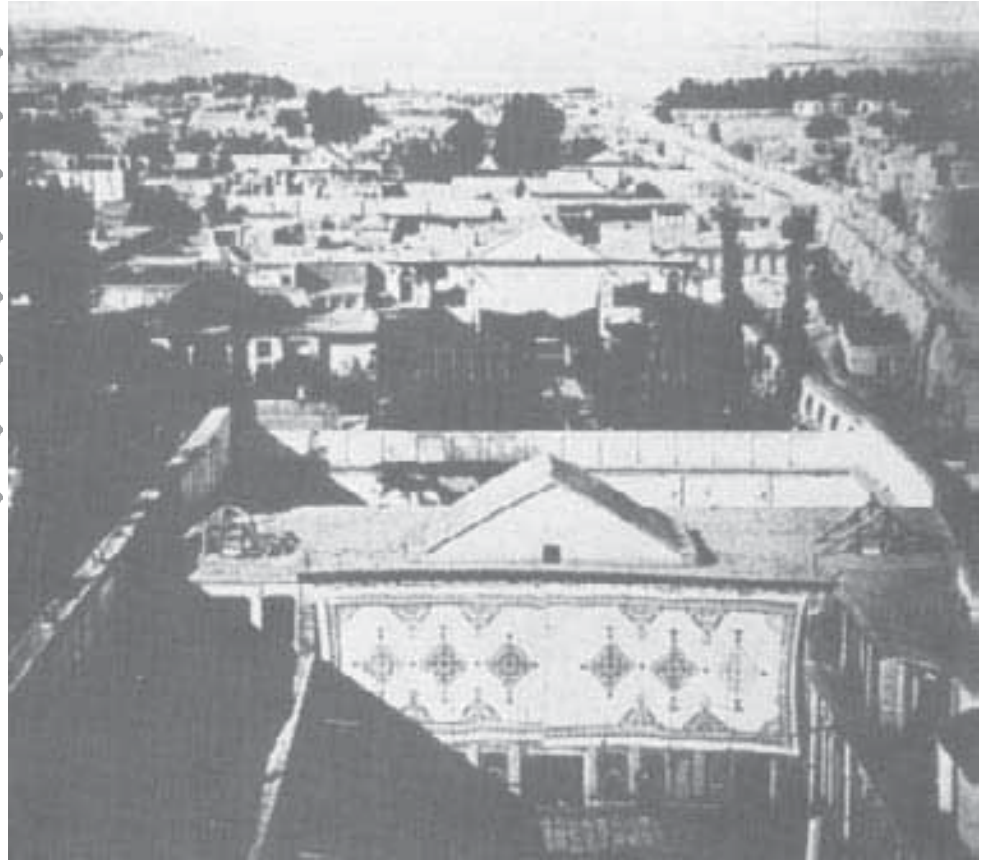
امین حضرت که مهر وی «رئیس اداره‌ی عکاس خانه‌ی مبارکه» بود. به‌طور کلی در دوران قاجار، اکثر عکس‌ها به نیت یادگاری گرفته می‌شد و عکاسان کشفیات جدید فنی را برای

بعضی از کتاب‌های چاپ شده در مطبعه آمده است. آثار بسیاری از وی در مجموعه‌ی بیوتات سلطنتی و خانواده‌های اعیان دوره‌ی قاجار وجود دارد و نام او ذیل عکس‌ها چنین به یادگار مانده است:

«عکاس مخصوص اعلا حضرت شاهنشاهی، خانه‌ی زاد عبدالله قاجار - دارالخلافه‌ی ناصری»، «عکاس خانه‌ی مدرسه‌ی مبارک دارالفنون - عبدالله قاجار» از خدمات برجسته‌ی او، در دارالفنون، تربیت شاگردانی است که در عهد مظفرالدین شاه به تدریج * عکاسی را به عنوان حرفه در جامعه‌ی ایران مطرح کردند. یکی از آنان ماشاءالله خان عکاس بود که عکس‌هایش را «عکاس خانه‌ی بین‌الحریمین در مسجد شاه ماشاءالله» مهر می‌کرد. نمونه‌هایی از عکس‌هایش در مجموعه عکس‌های کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران موجود است.

دیگر، محمد جعفر خان خادم، پدر مرحوم علی خان است. گفته می‌شود که آرشو عکاس خانه‌ی خادم غنی‌ترین مجموعه‌ی مستند تاریخی شهر تهران را در خود دارد.

روسی‌خان، از دیگر شاگردان عبدالله میرزا است که نام اصلی وی ایوانف بود. آخرین عکاسی که باید او را در زمره‌ی پیشگامان این هنر در ایران دانست، آنتوان سوربوگین ارمنی است که آنتوان خان شهرت داشت. او بی‌شک برجسته‌ترین و



دست داریم، عکس مراسم انتصاب مظفرالدین میرزا به ولیعهدی، یا یکی از نخستین سلاح‌های رسمی وی در تبریز است.

- از جمله عکاسان تبریز می‌توان به:
۱. منوچهر خان عکاس باشی.
 ۲. آقا یانس.
 ۳. اصلان هابز اپتیان
 ۴. استیپان استپانیان

برای تکمیل فهرست نام عکاسان تبریز متذکر می‌شویم که **سدیدالسلطنه** در سفرنامه‌ی خود، از عکاسی به نام **میرزا جعفر خان** یاد کرده که در تاریخ ۱۳۱۴ هـ. ق عکاس باشی مظفرالدین میرزا در ایام ولیعهدی بوده است.

میر مصور نگارگر معروف تبریزی نیز، مدتی در تبریز به عکاسی مشغول بود. آخرین عکاس ماهر و استاد از عکاسان قدیم تبریز، **ملیک و سقائیان** است که از شاگردان **اوسپیانس** بود. وی در گرفتن عکس‌های پُرتره استادی ویژه‌ای داشت و کارهایش از جنبه‌ی هنری عاری نبود.

عکاسی در شیراز

چنین می‌نماید که شیراز پس از تهران و تبریز، سومین شهری است که فن عکاسی در آن جا معمول شده و رایج یافته است. علت این امر، ارتباط شیرازیان با شهرهای هند، آشنایی بیشتر آن‌ها با فرهنگ غربی از راه هندوستان، و ارتباط و

طی یک عمل در دوربین به صورت برعکس، هم‌چون تصویری که در آینه دیده می‌شود، پدید می‌آید.

کلودیون: ماده‌ای است که از اتر و الکل و پنبه‌ی باروتی ساخته می‌شود. (پیش از نیمه‌ی قرن ۱۹، در پزشکی برای زخم‌بندی به کار می‌رفته است.)

کلرور: ترکیب دوتایی کلر یا نمک اسید کلریدریک است.

کلرور آمونیوم: نشادر
شیشه: جسم شفاف است که از شن سفید و سولفات دوسدیم و آهک درست می‌شود.

گراور: نوعی روش چاپ تجاری با استفاده از لوح یا استوانه‌ی پوشیده از صمغ و یا قیر که در روش عکاسی حکاکی، اسیدی، یا به روش گودکنی حکاکی می‌شود.

کاغذ آلبومین: کاغذ براق

سالت: نیترات نقره

عکاسی در تبریز

کهن‌ترین عکسی که از تبریز در

تا حد ممکن نزدیک به واقعیت تصویر می‌کرد. برخی از عکس‌های وی از روی داده‌های مهم، حاکی از گرایش وی به عکاسی خبری است. در سال‌های آغازین سده‌ی چهاردهم شمسی، به علت ورود فن‌شناسی و تغییر مواد اولیه‌ی عکاسی، عکس‌ها دچار تغییر کیفی شدند. عکاس، مواد حساس به نور قوی‌تر و دوربین‌های سریع‌العمل‌تری در اختیار داشت که می‌توانست با سهولت بیشتر به عکاسی از هر آن‌چه اطرافش بود، بپردازد. از این رو در بین عکس‌های به جا مانده، به بسیاری از عکس‌ها برمی‌خوریم که جنبه‌ی سندیت دارند (عکس‌های موجود در عکاس‌خانه‌ی کاخ گلستان).

علی رضاخان که منظور عکس

جوانی عضدالملک است. او کلیجه‌ی *شال ترمه پوشیده، کلاه بلندی بر سر دارد، بر صندلی نشسته و یک دست و بازوی خود را روی میزی که پوشش آن قلاب‌دوزی است، نهاده.

داگر‌نوتیپ: تصویر مثبتی است که



حشر و نشر با انگلیسی‌ها بوده است. از جمله عکاسان در شیراز می‌توان اشاره‌ای داشت به:

۱. میرزا احسن عکاس باشی شیرازی:

از سلسله‌ی نجیب‌زادگان و خواجهگان کازرون از عکاسان معروف شیراز بود که عکس‌های فراوانی از او به یادگار مانده است. میرزا احسن، صنعت عکاسی را در هند به‌طور کامل آموخت، در سال ۱۳۱۲ هـ - ق به بوشهر بازگشت. سپس بنا به خواهش شاهزاده رفعت‌الدوله، به کازرون رفت، عکس‌های فراوان گرفت، و مورد مرحمت او واقع شد.

۲. فرصت‌الدوله شیرازی:

شیرازیان فاضل، هنرمند و خوش ذوق که عکاس متفنی نیز بود. میرزا نصیرحسین شیرازی ملقب به «فرصت‌الدوله» معروف به «میرزا آقا» است.

۳. میرزا محمدرضای شیرازی:

برادر میرزا احسن عکاس باشی بود.

۴. فتح‌الله چهره‌نگار شیرازی

۵. میرزا حبیب‌الله چهره‌نگار:

حبیب‌الله بزرگ‌ترین فرزند میرزا احسن عکاس باشی بود. پس از مرگ پدر راهی هند شد و پس از تکمیل آموزش عکاسی و فراگرفتن زبان انگلیسی، به شیراز بازگشت. از جمله فعالیت‌های وی می‌توان به نگارگری او اشاره‌ای داشت.

۶. میرزا محمد رحیم، میرزا نصرالله

و میرزا مسیح: که هر سه از خاندان چهره‌نگار شیراز بودند.

عکاسان اصفهان

۱. ارنست هولستر: که قبلاً درباره‌ی

او توضیح کوتاهی ارائه کردیم. وی با عکاسی و عکس‌های هنرمندانه، از پیرامون خود و از شهر و مردم اصفهان در اواخر قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ هـ - ق، یادگارهایی بس گرانبها و جالب باقی گذاشته است. عکس‌های بیشتر شامل: خانه و خانواده‌ی خود عکاس، کلیساهای جلفا، منظره‌ی عمومی شهر، کوچه‌ها، باغ‌ها و مسجدها، میدان نقش جهان و عالی قاپو و... هستند. هولستر در سال ۱۳۲۹ هـ - ق در اصفهان درگذشت.

۲. بنان‌الملک شیرازی.

۳. میناس: از پیشکسوتان عکاسی در شهر اصفهان که در پیش برد و پیشرفت هنر عکاسی کوشش مداوم و فراوان به کار برد.

از دیگر عکاسان اصفهان می‌توان

یادی کرد از: **میرزا علی محمدخان، میرزا نصرالله، میرزا محمدعلی خان آشتیانی، میرزا کریم خان عکاس.**

عکاسی در مشهد

از شهر مشهد مرکز خراسان، متأسفانه، تنها نام سه عکاس را می‌دانیم و جز نام آنان، اطلاع دیگری درباره‌ی آن‌ها در دست نیست:

۱. میرزا عبدالجبار عباد آف

۲. فرج... عباد آف

۳. میرزا علی اصغر نامی

عکاسی در یزد

از عکاسان یزدی جز یک تن نمی‌شناسیم و او حاجی میرزا محمدصالح یزدی است.

* کلیچه نوعی پوشش در دوره قاجار است

منابع

۱. مجله عکاسی
۲. ماهنامه هنر
۳. تاریخ عکاسی ایران
۴. تاریخ عکاسی جهان
۵. سیر تحول عکاسی ایران
۶. عکسهای کاخ گلستان